



Linguistic Research in the Holy Quran.  
Vol. 13, No. 2, 2024  
Research Paper

## **Analysis of the speech acts of the Prophets' supplications in the Holy Qur'an based on John Searle's theory**

**Ali Akbar Noresideh<sup>\*</sup>, Ali Bagheri**

Assistant Professor in the Department of Arabic Language and Literature,  
Semnan University, Semnan, Iran  
PhD of Department of Arabic Language and Literature, Semnan University,  
Semnan, Iran

### **Abstract**

Prayer is one of the highest religious teachings that plays an important role in spiritual education and the flourishing of the human soul. By praying, man declares his neediness, poverty, and ultimate servitude before God. The supplications of the prophets in the Holy Qur'an are among the discourses that have impact, coherence, and purposeful structure in the pragmatic and practical field of language and realize complex pragmatic meanings. The present study tries to analyze the language use of these prayers and the function of actions used in them by using the descriptive-analytical method and relying on Searle's speech act theory. One of the achievements of the research is that the language used in the verses is pragmatic in the sense that the words and sentences are not only productive but seek to implement action and change the outside world for the benefit of their users. The prayers of the prophets in the Qur'an, based on the model of John Searle, are based on three actions, which according to frequency are: 1) Persuasive action that is generally used in the form of indirect action, and the power in its statement is begging. In this action, the characteristic of power and dominance plays a fundamental role in the execution of the action; 2) Declarative action which has been used in both direct and indirect speech acts, and the power in its statement is confession and explanation; 3) Emotional action which is often used in the form of direct speech acts and the power in its statement includes remorse and regret. Of these three actions that are widely used in prayers, persuasive and declarative actions have the aspect of public expediency, and emotional action has the personal aspect and mental draining of the supplicant.

**Keywords:** Prayers of the Prophets, Language Usage, Speech Act, John Searle.



This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ([Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)).



<https://doi.org/10.22108/NRGS.2024.140058.1925>

## تحلیل کنش‌های گفتار ادعیه پیامبران در قرآن کریم براساس نظریهٔ جان سرل

علی اکبر نورسیده<sup>۱\*</sup>، علی باقری<sup>۲</sup>

۱- استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

noresideh@semnan.ac.ir

۲- دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

bagheri@semnan.ac.ir

### چکیده

دعا و نیایش یکی از والاترین معارفی دینی است که نقش پُراهمیتی در تربیت معنوی و شکوفایی روح آدمی دارد. انسان با دعا، نیازمندی، فقر و نهایت بندگی، خود را در مقابل خدا اظهار می‌کند. ادعیه پیامبران در قرآن کریم از جمله گفتمان‌هایی است که در حوزه پراگماتیک و کاربری زبان از تأثیرگذاری، انسجام و ساختار هدفمندی برخوردار است و معانی کاربردشناختی پیچیده‌ای را محقق می‌سازد. پژوهش حاضر می‌کوشد با روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر نظریه کنش گفتار سرل، چگونگی کاربری زبان در این ادعیه و کارکرد کنش‌های موجود در آنها را بررسی کند. از دستاوردهای پژوهش این است که زبان کاربری شده در آیات، زبان پراگماتیکی است؛ به این معنا که کلمات و جملات صرفاً جنبه تولیدی و توصیفی ندارند؛ بلکه به دنبال اجرای کنش و تغییر جهان خارج، به سود کاربر آنهاست. ادعیه پیامبران در قرآن براساس الگوی جان سرل، بر سه کنش استوارند که بر حسب بسامد عبارت‌اند از ترغیبی که عموماً با اسلوب امری به شکل کنش غیرمستقیم، با نیروی در گفته التماس، رخصت کاربری شده است؛ در این کنش، شاخصه قدرت و سلطه نقش اساسی در اجرای کنش دارد. کنش اظهاری که کاربری آن در هر دو نوع کنش گفتار مستقیم و غیرمستقیم و نیروی در گفته آن اقرار و تبیین است. کنش عاطفی که غالباً به شکل کنش گفتار مستقیم کاربری شده است و نیروی در گفته ندامت و پشیمانی را شامل می‌شود. از این سه کنش پر کاربرد در ادعیه، ترغیبی و اظهاری جنبه مصلحت‌خواهی عمومی و عاطفی جنبه شخصی و تخلیه روانی دعاکننده را دارد.

واژگان کلیدی: ادعیه پیامبران، کاربردشناسی زبان، کنش گفتار، جان سرل.

### ۱- طرح مسئله

زندگی انسان از اهمیت خاصی برخوردار است. انسان مؤمن به وسیله دعا با خدای خود ارتباط برقرار می‌کند و به سرچشمه معرفت و دانایی جاویدان دست پیدا می‌کند. از درگیرهای ذهنی و نگرانی‌های قلبی خود سخن

دعا راهی پاک و زلال به سوی خالق هستی است و پلکانی محسوب می‌شود که انسان نیازمند را به عرش ملکوتی خدای بی‌نیاز می‌رساند؛ از این نظر، دعا در

می‌گوید و از خداوند مدد می‌جوید. اهمیت دعا در ارتباط انسان با خالق و معبودش ابعاد گوناگونی دارد؛ اما مهم‌ترین این ابعاد به دو شکل است. نخست: گاهی تصور می‌شود دعا صرفاً کلمات و واژگانی هستند که ممکن است اذکاری به شمار آیند که انسان به وسیله زبان یا نجوای درونی، پاداشی را از خالق خود انتظار دارد. با تکیه بر این معنا، دیدگاه ساده انسان درباره دعا مشخص می‌شود و شکل دیگر آن‌که خداوند دعا را دعوتی همه‌جانبه می‌داند که انسان به استفاده از آن می‌تواند رویکردی صحیح در زندگی خود اتخاذ کند (برقی، ۱۳۹۸ش، ص ۳۹).

در تعریف لغوی دعا آمده است: دعا از ماده دَعَوَ و مصدر دَعَوَةٌ و دَعَاءٌ. صاحب مقاییس اللغه در این باره می‌گوید: دعا: صدا و سخنی است که به وسیله آن چیزی را به سوی خود متمایل کنی و بگویی دَعَوْتُ و اَدْعُو (ابن فارس، ۱۹۹۱م، ج ۲، ماده دعو). در اصطلاح یعنی صدازدن و مددخواستن در حل مشکلات از خالق خود. دعاکردن یکی از بهترین اعمالی است که هم خداوند رحمان در قرآن و هم پیامبر اکرم و امامان معصوم به آن سفارش بسیار کرده‌اند (وجدانی‌کیا، ۱۳۹۳ش، ص ۵). تعریف دعا به شکل جامع و مانع امری سخت است؛ زیرا این پدیده با توجه به احوال انسان در پیشگاه الهی تغییرپذیر است؛ اما در ادبیات و در بلاغت این‌گونه تعریف می‌شود: درخواست مقام پایین‌تر از مقام بالاتر با حالت خضوع و تسلیم (تفتازانی، ۱۳۸۷ش، ص ۴۲۲)؛ بنابراین، حقیقت دعا خواسته انسان نیازمند از پروردگارش با هدف مشخص با حالت ترس، امید، رفع بلا، نزول نعمت و ... است و از آن‌جایی که «انسان همیشه در پیشگاه خداوند فقیر و نیازمند است؛ بنابراین، اساس دعا را می‌توان بر فطرت انسانی دانست» (عبود زوین، ۱۴۳۲ق، ج ۱، ص ۱۴۰).

این پدیده در قرآن کریم از جایگاه والایی برخوردار است و زمانی این جایگاه و اهمیت درک می‌شود که

می‌توان قرآن کریم را از اولین تا آخرین سوره با کوتاه و بلند یا مکی و مدنی بودن، سراسر همه یک دعا به شمار آورد؛ دعای سخاوتمندانه‌ای که تصویری گویا از اعتراف انسان به ضعف خود، پناه بردن به خالقش و وابستگی به قدرت او مجسم می‌کند. بر این اساس، اهمیت دعا در قرآن کریم فائده روحانی و نفسانی برای انسان دارد؛ زیرا هیچ‌گاه نمی‌گذارد ناامیدی در دل او رسوخ کند. همچنین، تأکیدی که قرآن در امر دعاکردن دارد؛ خداوند در سوره غافر می‌فرماید: (أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ) (غافر: ۶۰). از این آیه کریمه چنین برداشت می‌شود که غایت دعای بنده، استجاب از جانب خداوند است که می‌تواند مانند بسیاری از اعمال باطنی یا ظاهری باشد. ظاهری را تحقق عینی دعا و باطنی را تحقق غیبی آن گویند.

بر این اساس، اهمیت و ضرورت این پژوهش بر دو محور است؛ از یک سو آگاهی عمیق و دقیق از گفتمان قرآن به ویژه راز و نیاز پیامبران با خدایشان به عنوان استوارترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ اسلامی امری ضروری می‌آید و از سوی دیگر، نگاه زبان‌شناسانه به چنین گفتمان‌ها و مطالعات زبانی آن‌ها می‌تواند گام مهمی در توسعه پژوهش‌های قرآنی و بومی‌سازی آن با نظریه‌های جدید زبان‌شناسی به شمار آید؛ از این رو، جستار حاضر می‌کوشد تا با هدف مطالعه کاربردی و پراگماتیکی گفتمان قرآن در سایه نظریه کنش‌های گفتار جان سرل به سؤالات زیر پاسخ دهد:

– کدام کنش‌های گفتار در ادعیه پیامبران در قرآن کریم کاربری شده‌اند؟

– بسامد و تأثیرگذاری هر یک از کنش‌های کاربری شده، چگونه ارزیابی می‌شود؟

پژوهش حاضر برای رسیدن به پاسخی جامع و علمی با ابزار کتابخانه‌ای و از روش توصیفی تحلیلی در کنار روش آماری استفاده می‌کند و سعی دارد تا براساس نمونه جان سرل در نظریه کنش‌های گفتار و دسته‌بندی پنجگانه وی به تحلیل و واکاوی ادعیه پیامبران در آیات قرآن کریم

پپردازد.

کنش گفتار اظهاری و تعهدی در سوره شمس نسبت به دیگر کنش‌ها بیشتر است.

- مقاله «تحلیل متن‌شناسی سوره زمر بر مبنای نظریه کنش گفتار سرل» (۱۳۹۹ش) به قلم: مرضیه شمس‌الدینی گورزانی و همکاران، مجله مطالعات ادبی متون اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۴۹-۷۵. این مقاله با بررسی سوره زمر به این نتیجه می‌رسد که گفتمان سوره بر چهار کنش از دسته‌بندی جان سرل استوار است که عبارت‌اند از گفتمان سوره زمر عبارت از «اظهاری»، «ترغیبی»، «عاطفی» و «اعلامی». در این بسامد اظهاری بیشتر از دیگر کنش‌هاست.

- مقاله «کنش‌های گفتاری داستان حضرت یوسف (ع) در قرآن کریم (براساس نظریه جان سرل)» (۱۴۰۲ش) به قلم: پیمان صالحی، مهدی اکبرنژاد، مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دوره ۲۰، شماره ۱، صص ۹۱-۱۱. در این مقاله، داستان حضرت یوسف براساس کنش گفتار سرل بررسی شده و تبیین کرده است کنش گفتار غیرمستقیم در مقایسه با دیگر کنش در این سوره از کارکرد بیشتری برخوردار است.

همان‌طور که از عنوان و شیوه پژوهش‌های پیشین بر می‌آید هر یک از آن‌ها گوشه‌ای از اهداف جستار حاضر را مغفول گذاشته‌اند. یکی از اصلی‌ترین موارد پژوهش حاضر، بررسی کاربردشناسانه ادعیه‌های قرآنی پیامبران در پرتو نظریه کنش‌های گفتار جان سرل است که ریشه در مطالعات کاربردی گفتمان دارد و به مثابه یک ابزار کارآمد در تحلیل متون دینی به ویژه متون قرآنی به کار گرفته می‌شود؛ بنابراین، تفاوت این جستار با پژوهش‌های پیشین در دو مقوله خلاصه می‌شود؛ نخست اینکه مقاله حاضر می‌کوشد با دیدگاه زبان‌شناسی نوین به بررسی ادعیه مذکور پردازد و از آن‌جایی که در ذات ادعیه نوعی دوگانگی (دعا - استجاب) نهفته است؛ بنابراین، دیدگاه کاربردی‌تر درباره این گفتمان پیاده‌سازی می‌شود؛ دیدگاهی که از دید پژوهش‌های پیشین مغفول مانده

## ۱-۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های زبانی بسیاری در زمینه کنش‌های گفتار و دعا‌های قرآنی در انجام شده که ذکر حتی برخی از آن‌ها از حوصله این جستار خارج است؛ اما برای آشنایی لازم است برخی از مرتبط‌ترین با پژوهش حاضر ذکر شود:

- رساله دکتری «آیات الدعاء فی القرآن الکریم دراسة أسلوبیة» (۲۰۱۲م)، دانشگاه أم درمان سودان، به قلم سالم عبود مبارک غانم. این پژوهش در پرتو سبک شناسی به سبک آیات دعا در قرآن کریم در سایه عناصر بلاغی نظیر التفات، تقابل، تضاد و أسلوب‌های خبری، انشائی، فصل و وصل و ... پرداخته است.

- پایان‌نامه «بررسی ساختار بلاغی دعا‌های قرآنی»، دانشگاه قم، به قلم علی درویشی. این پژوهش به استخراج و تحلیل عناصر بلاغی استعاره، تشبیه، کنایه، طباق و ایجاز و اطناب ... پرداخته است.

- مقاله «تحلیل ساختار کارگفت‌اندار در قرآن کریم» (۱۳۹۳ش) به قلم: علیرضا دل افکار و همکاران، مجله پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، دوره ۳، شماره ۱، صص ۳۹-۶۰. این مقاله براساس نظریه کارگفت و بر پایه بافت پیرامونی، واژه‌اندار را تحلیل کرده است.

- مقاله «من بلاغة بعض الأدعیه فی القرآن الکریم» (۱۴۲۴ق)، مجله جامعه أم القرى، شماره ۲۶، به قلم یحیی بن محمد ابراهیم عطیف. این مقاله به دیگر معانی پدیده دعا در قرآن می‌پردازد و نیز واژگان و اصطلاحات مترادف و نزدیک به آن مانند تضرع، صلاة و ... را واکاوی می‌کند.

- مقاله «تحلیل ساختار سوره شمس بر مبنای نظریه کنش‌گفتاری جان سرل» (۱۳۹۹ش)، به قلم فاطمه دسترنج، محسن ذوالفقاری، مجله پژوهش‌های ادبی - قرآنی، سال هشتم، شماره ۲، صص ۷۱-۹۵. این مقاله سوره شمس را براساس کنش‌های گفتار پنج‌گانه سرل بررسی می‌کند و در پایان به این نتیجه می‌رسد که بسامد

است؛ اما مقوله دوم، بررسی آیات دعایی در سایه نظریه کنش‌های گفتار بوده که این نظریه در چنین گفتمانی بررسی نشده است؛ بنابراین، نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش نو و جدید است.

## ۲- کنش‌های گفتار<sup>۱</sup>

یکی از متداول‌ترین اصطلاحات در زبان‌شناسی کاربردی<sup>۲</sup> همین اصطلاح کنش‌های گفتار است که به معنای انجام فعل یا تغییر جهان واقعی به وسیله گفته یا سخن است. نشانه‌های اولیه این نظریه در پژوهش‌های فیلسوفانی مانند وینگشتاین<sup>۳</sup>، راسل<sup>۴</sup> و موریس<sup>۵</sup> مشاهده می‌شود. اینان بر این باور بودند که عامل اصلی مشکلات اساسی در فلسفه بی‌توجهی به زبان و کاربرد آن است. بر این اساس، زبان را سنگ‌بنای پژوهش‌های فلسفی قرار دادند و معتقد بودند: «زبان به عنوان یک کلید جادویی تمام قفل‌های فلسفه را باز می‌کند و نیز اختلاف نظرات موجود بین فلاسفه به سوء فهم آن‌ها از زبان برمی‌گردد؛ به همین سبب، آن‌ها در یک مکتب جدید فلسفه با عنوان فلسفه زبان به جانب کاربردی زبان و کاربردی آن در مکالمات روزمره توجه داشتند» (الصحراوی، ۲۰۰۵م، ص ۲۳).

این اندیشه بر فیلسوفان آینده به ویژه جان آستین<sup>۶</sup> تأثیر گذاشت. آستین با تأثیرپذیری از این اندیشه، موضوع رابطه بین زبان و فکر را مطرح کرد. او معتقد بود: زبان صرفاً ابزاری برای توصیف جهان خارج نیست؛ بلکه گاهی از این کارکرد گذر می‌کند و وظیفه تأثیرگذاری بر مخاطب و نیز تغییر در جهان خارج را ناشی می‌شود (آستین، ۱۹۹۱م، ص ۱۷). آستین با این دیدگاه مهر بطلانی بر توصیفی بودن زبان می‌زند و زبان را وارد یک فضای

جدید با عنوان کنش‌گرایی<sup>۷</sup> می‌کند. در مرحله نخست که از آن به صدق‌گرایی<sup>۸</sup> تعبیر می‌شود، گفتارهای معنادار صرفاً به دو گروه صادق و کاذب تقسیم می‌شود؛ اما در مرحله کنش‌گرایی، این پاره‌گفتارها توسط کاربر زبان در یک بافت مشخص کنش و عملی را در جهان خارج انجام می‌دهند (صانعی‌پور، ۱۳۹۰ش، صص ۲۶-۲۷). تفکیک پاره‌گفتارهای زبانی به این شکل، تأثیر عمیقی در مطالعات زبان‌شناسی به‌ویژه زبان‌شناسی کاربردی بر جای گذاشت؛ زیرا کاربردشناختی به دنیال این است که زبان را از حالت توصیفی خارج کند و صورت پراگماتیک و واقعی به آن ببخشد.

آستین بر پایه آرای فوق، نظریه کنش‌های گفتار را ارائه می‌دهد که از نظر برخی صاحب‌نظران نظیر باخ، هارنیش و لیچ<sup>۹</sup> به‌ویژه جان سرل<sup>۱۰</sup> با اشکالاتی روبه‌رو شد؛ بنابراین، شاگرد او جان سرل سعی کرد با مطالعه گسترده‌تر، آن‌را به مرز مقبولیت برساند؛ هرچند مانند استادش آستین فرضیه اساسی نظریه کنش‌های گفتار را عمل و رفتاری می‌داند که به وسیله زبان در جهان خارج محقق می‌شود و معتقد است کاربر زبان براساس ظرفیت‌های ذهنی خود مانند باور، احساس، تمایل و نظیر آن‌ها درصدد است با جهان خارج رابطه ارگانیک برقرار کند (سرل، ۲۰۰۶م، ص ۷). سرل کنش گفتار را در درجه اول مفهومی کاربردشناختی و در درجه دوم عمل بافت‌محور و در آخر آن را قصدمند می‌داند و معتقد است این پروسه تنها در یک ارتباط کلامی بین کاربران زبان محقق می‌شود (باقری، ۱۴۰۲ش، ص ۵۵)؛ از این رو، در مقوله کنش‌های گفتار، ارتباط از اهمیت بالایی برخوردار است. سرل معتقد است: ارتباط با زبان، رفتاری از روی قصد و نیت و قاعده‌مند است و هماهنگی بین این قواعد باعث تحقق کنش‌ها می‌شود (البرزی، ۱۳۸۶ش، ص ۸۴).

<sup>7</sup>. Performativity

<sup>8</sup>. Constativity

<sup>9</sup>. Bach & Harnish & Leech

<sup>10</sup>. John Searle

<sup>1</sup>. Speech Actes

<sup>2</sup>. pragmatics Linguistics

<sup>3</sup>. Wittgenstein

<sup>4</sup>. Russell

<sup>5</sup>. Moris

<sup>6</sup>. John Austin

جدول ۱: تبیین ساختار کنش‌های گفتار

تأثیری	منظوری	قضیه‌ای	لفظی
چنانچه خواسته حضرت ابراهیم از جانب پروردگارش عملی شود، کنش تأثیر رخ داده است. از طرف دیگر، استفاده اسلوب مناسب می‌تواند تأثیرگذاری را افزایش دهد.	میل حضرت ابراهیم در آبادسازی سرزمین مکه.	کنش ارجاعی: ضمیر «باء» در "ربی" به "حضرت ابراهیم" در بافت بیرونی، ضمیر مستتر "آندَر" بافت متنی و ضمیر "هما" در فعل امر "اجعل" در بافت متنی "به" "رب" بر می‌گردد. کنش اسنادی: مطالبه حفاظت از سرزمین مکه.	عبارۀ "رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا" که متشکل از اصوات، ألفاظ و یک جمله است

از نمونه فوق چنین برمی‌آید: کنش لفظی و قضیه‌ای (گزاره‌ای) از طریق ساختار متن و بافت متنی بدون توجه به بافت بیرونی فهم‌پذیر و تحلیل‌شدنی است؛ اما کنش منظوری و تأثیری علاوه بر بافت متنی، بافت بیرونی متن را نیز در نظر دارد؛ به همین سبب، کنش لفظی و گزاره‌ای، کنش سخن‌محور و کنش منظوری و تأثیری کنش بافتاری به شمار می‌آید.

جان سرل مانند استادش آستین زیربنای کنش‌های گفتاری را کنش منظوری می‌داند و بر مبنای آن تقسیم‌بندی خود را ارائه می‌دهد که از آن به‌عنوان کنش‌های «پنج‌گانه سرل» تعبیر می‌شود که عبارت‌اند از:

جدول ۲: کنش‌های پنج‌گانه سرل

تعریف	نوع کنش
گوینده انجام‌شدن یا نشدن کاری را در جهان خارج با کلمات بیان می‌دارد.	اظهاری <sup>۵</sup>
گوینده مخاطب را به انجام یا ترک عملی ترغیب می‌کند.	ترغیبی <sup>۶</sup>
گوینده برای انجام یا ترک عملی تعهد کند.	تعهدی <sup>۷</sup>
احساس گوینده را در وقوع عملی بیان می‌دارد.	عاطفی <sup>۸</sup>
گوینده شرایط تازه‌ای را برای مخاطب به شرط داشتن اختیار قانونی و عرفی اعلام می‌کند.	اعلامی <sup>۹</sup>

<sup>5</sup> Representatives act

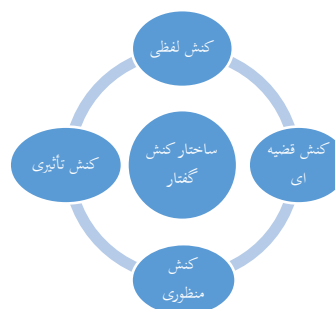
<sup>6</sup> Directives act

<sup>7</sup> Commissive act

<sup>8</sup> Expressives act

<sup>9</sup> Declarations act

پاره‌گفتارهای معنادار در نظریه کنش‌های گفتار جان سرل ضمن چهار کنش محقق می‌شود:



نمودار ۱: ساختار کنش گفتاری در نمونه سرل

براساس این نمودار، ساختار کنش‌های گفتار عبارت‌اند از: **کنش لفظی**<sup>۱</sup>: عبارت است از تولید عناصر زبانی با ترتیب دستوری معین. **کنش قضیه‌ای (گزاره‌ای)**<sup>۲</sup>: نسبت این کنش، به اصطلاح قضیه در فلسفه و منطق برمی‌گردد؛ به اعتبار این‌که در یک قضیه احتمال صدق و کذب می‌رود؛ از این رو، «قضیه» و در کنار آن فعل قضیه‌ای با ارجاع و اسناد اقتران می‌یابد؛ به طوری که به مجرد تلفظ آن، به موضوعی یا نشانه خارجی ارجاع و اسناد معین دلالت معین شکل می‌گیرد. **کنش منظوری (مضمون در سخن)**<sup>۳</sup>: همان کاری که در پس کنش بیانی به‌صورت معنای اضافی انجام می‌شود. این کنش با نیت و هدف گوینده به صورت مستقیم و ضمنی بیان می‌شود؛ به طوری که به آن کنش غیر بیانی گفته می‌شود. **کنش تأثیری**<sup>۴</sup>: کنشی که برخلاف سه کنش قبلی در اختیار گوینده نیست و گوینده به واسطه کنش‌های پیشین بر گوینده تأثیر می‌گذارد (البرزی، ۱۳۸۶ش، صص ۸۵-۸۶؛ الشهری، ۲۰۰۳م، صص ۱۵۵-۱۵۶). برای تبیین و توضیح این ساختار و چهار کنش، ذکر مثالی از پاره‌گفتارهای دعایی قرآن ضروری است: (رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا ... (بقره: ۱۲۶).

<sup>1</sup> Locutionary Act

<sup>2</sup> Propositional Act

<sup>3</sup> Illocutionary Act

<sup>4</sup> Perlocutionary Act

جدول ۳: آیات دعایی قرآن کریم در رابطه با کنش اظهاری

سوره و آیه	آیه و پاره گفتارهای دعایی	کنش مستقیم	کنش غیر مستقیم	بار مضمون در سخن
هود/ ۴۵	قَالَ رَبِّ إِنِّي مِنَ الْهَالِكِينَ وَعَدَّكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ	.....	مطالبه نجات فرزند نوح با حالت تضرع	
مؤمنون/ ۲۸	الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّنا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ	اظهار شکرگزاری	.....	
مؤمنون/ ۹۷	قُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ	.....	درخواست پناه‌جویی از آسیب‌های شیطانی	
ص / ۴۱	إِذْ نَادَى رَبَّهُ أُنَى مَسْبِي الشَّيْطَانِ بُنْصَبِ وَعَذَابِ الهِبَى	.....	اظهار فقر و عجز در پیشگاه الهی	
اعراف/ ۱۸۹	فَلَمَّا أَتَقَلَّتْ دَعْوَا اللَّهِ رُحْمًا لَبِنُ أَتَيْنَا صَالِحًا لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ	.....	طلب فرزند صالح با رعایت کمال ادب	
مائده/ ۱۱۸	إِنَّ تُعَذِّبُهُمْ فَلَهُمْ عِبَادَتُكَ وَإِنَّ تَغْفِرُ لَهُمْ فَاِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ	.....	طلب مغفرت با رعایت کامل ادب	
.....	.....	.....	.....	.....
العدد	.....	.....	.....	.....

تحلیل هر گفتمانی براساس نظریه کنش گفتار مبتنی بر قصد گوینده است؛ زیرا معانی عناصر زبانی بر پایه قصد او پایه ریزی می‌شود. سرل اعتقاد دارد: هرگاه بین ساختار نحوی (گزاره) و کارکرد کاربردشناختی آن رابطه مستقیم وجود داشت، با کنش گفتار مستقیم<sup>۱</sup> مواجه هستیم. به دیگر سخن، هرگاه بین ساختار دستوری و با نقش ارتباطی، رابطه یک به یک وجود داشت، کنش گفتار به صورت مستقیم ادا شده است (سرل، ۲۰۰۶: ص ۲۱۱)؛ به طور مثال، اگر پرسشگر، سؤالی پرسید و منظور او از این سؤال فقط کسب اطلاع باشد، ساختار پرسشی با نقش ارتباطی رابطه مستقیم دارد که کنش نهفته در آن مستقیم است.

هرگاه رابطه منطقی مذکور بین آن دو نقض شد و گوینده با کاربری یک کنش گزاره‌ای، کارکردی غیر کارکرد معمول قصد کند، کنش گفتاری غیر مستقیم<sup>۲</sup> نام می‌گیرد (۲۰۰۶م، ص ۲۱۱). درحقیقت مادامی که ساختار دستوری پاره گفتار معنایی و کارکرد ارتباطی آن معنای دیگری را انتقال دهد، کنش گفتار به صورت غیرمستقیم است. این جستار سعی دارد ادعیه پیامبران را در آیات قرآن براساس تقسیم‌بندی کنش‌های گفتار سرل بررسی کند:

## ۱-۲. کنش اظهاری

در این کنش گوینده با اظهارکردن، توصیف‌کردن، و ... به وصف جهان خارج از دیدگاه خود می‌پردازد. این کنش گفتاری نشان‌دهنده باور گوینده از درستی اوضاع امور است. اظهاراتی چون بیان واقعیت و تقریر آن، نمونه‌هایی از کنش‌های گفتاری هستند که گوینده از طریق آن‌ها دنیا را چنان که باور دارد، نشان می‌دهد (بول، ۱۳۸۵ش، ص ۷۴). در جدول زیر نمونه‌هایی از این کنش در ادعیه پیامبران آمده‌اند:

به نظر می‌رسد بیشتر عبارات‌ها یا جملات خبری که موقعیتی را توصیف می‌کنند، در زمره کنش اظهاری قرار می‌گیرند. در کنش اظهاری، گوینده با راهبرد توضیحی به مخاطب اطلاعاتی را انتقال می‌دهد. در سوره فاطر خداوند می‌فرماید: (الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا... (فاطر: ۱). در این آیه حمد خدا از زبان شعیب به جا آورده شده است؛ خدایی که خالق آسمان و زمین و هر آنچه که در آنهاست. علامه طباطبایی در

<sup>۱</sup> Direct speech Acte

<sup>۲</sup> Indirect speech Acte

می‌آورد. علامه مصطفوی درباره‌ی واژه فاطر معتقد است: از ماده «فاطر» که بر مفاهیمی نظیر خالقیت، ایجاد اولی، اختراع، ابداع و ... دلالت می‌کند که شکل و کیفیت خاصی دارد و هیچ نقصانی در آن پیدا نیست که نیاز به بازآفرینی داشته باشد (۱۴۲۳ق، ماده فطر). همان‌طور که خداوند می‌فرماید: (ارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ) (الملک: ۳). در آیه نیز آفرینش و ایجاد بر حالاتی اطلاق می‌شود که نخست بر ایجاد ابتدایی و دوم بر آفرینش منظم و بی‌نقص دلالت می‌کند.

قرآن کریم در هر حالتی سعی در اقناع، تأثیر و تغییر دارد؛ از همین رو، کنش‌های گفتار در قرآن به‌طور کلی و به‌طور خاص در آیات دعایی منجر به دینامیک و متحرک بودن سیاق متنی می‌شود که این ویژگی درحقیقت باعث ایجاد فضایی در آیات می‌شود که برای درک و فهم آیه خاص باید قبل یا بعد از آن را نیز در نظر داشت؛ مانند:

(... فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ) (القصص: ۲۸). در این آیه لازم می‌آید فضای کلی دعا بررسی و فقر و احتیاج حضرت موسی روشن‌تر شود. در تفسیر آیه آمده است: موسی بعد از گفت‌وگو با آن دو دختری که می‌خواستند گوسفندان را سیراب کنند، اما تعفف آنها اجازه نمی‌داد که بین ازدحام مردان بروند، برای آنان آب کشید و گوسفندان ایشان را سیراب کرد، سپس برگشت به طرف سایه تا استراحت کند، آنگاه گفت: پروردگارا من به آنچه از خیر به سویم نازل کرده‌ای، محتاجم (طباطبایی، ۱۳۸۴ش، ج ۱۶، ص ۳۴).

کنش لفظی آیه دعایی مذکور متشکل از جملات و عبارات موجود در آیه است. کنش ارجاعی در این آیه با ضمایر موجود در بافت متنی مثل «یا» در (إِنِّي إِلَهِي رَبِّي) بیانگر این است که گوینده، حضرت موسی (ع) است و مخاطب نیز با تکیه بر همین بافت متنی و ضمیر «تاء» در (أَنْزَلْتَ) و واژه «رب» خداوند است. کنش اسنادی و

تفسیر آیه چنین می‌گوید: این کلمه «فاطر» نشان از ایجاد ابتدایی دارد؛ ایجاد می‌کند نه اصلی بر آن بوده و نه ابزار پدیدآورنده آن از قبل بوده است (۱۳۸۴ش، ج ۱۷، ص ۴). در این آیه، کنش لفظی را جملات و عبارات پاره‌گفتار دعایی تشکیل می‌دهند و کنش قضیه‌ای به دو کنش ارجاعی و دلالتی تقسیم می‌شود. کنش ارجاعی متشکل از گوینده و مخاطب آیه است که از طریق بافت متنی و بافت خارجی به آن‌ها به دست می‌آیند. در این آیه مخاطب، خداوند است که از طریق بافت متنی با لفظ «الله» به آن پی برده می‌شود و گوینده حضرت شعیب که از طریق بافت بیرونی به دست می‌آید. کنش دلالتی به‌عنوان دومین کنش محتوای گزاره‌ای در مسأله آفرینش بی‌مانند و ابتدایی مخلوقات هستی نهفته است. درباره‌ی کنش منظوری این آیه باید گفت: ما با آفرینش به بدیل آسمان و زمین از جانب خداوند یقین داریم؛ به طوری که خالق آن‌ها به قدرتی خارق‌العاده و بی‌نظیر بهره‌مند است. از آنجایی که سوره فاطر به‌صورت کلی به دنبال «اثبات وحدانیت، قدرت و إقامة برهان و دلیل برای اثبات اوصاف الهی و دورکردن شرک از باری تعالی است» (الصابونی، ۲۰۱۲م، ج ۲، ص ۵۶۳)؛ بنابراین، می‌توان کنش منظوری را توحید، قدرت و شکوه خارق‌العاده خداوند به شمار آورد که به‌صورت مستقیم در آیه ظاهر شده است.

کنش تأثیری که بازخورد آن از جانب خواننده است، به‌صورت فرضی بر هر مسلمانی متجلی می‌شود؛ زیرا مسلمانان بر امر وحدانیت و تسلط خداوند بر امور مخلوقات ایمان دارند و نیز کنش نهفته در سخن این دعا به‌عنوان یک کنش منظوری مستقیم با توجه به اسلوب بیانی کاربری‌شده، می‌تواند تأثیرگذار باشد. به دیگر سخن در آیه، واژه «الله» با لام تخصیص همراه شده است که حمد و ستایش را به خدای یکتا اختصاص می‌دهد نه کسی جز او. کاربست واژه «فاطر» عظمت و قدرت خداوند را تأکید می‌کند. واژه «فاطر» خالق را گویند که از هیچ چیز و از هیچ اصل و مانندی، مخلوقات را پدید



همدیگرند؛ همان‌طور که خدای متعال در سوره فاطر می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ) (فاطر: ۱۵).

## ۲-۲. کنش ترغیبی

هدف از این کنش، میل و اشتیاق‌گوینده به انجام کاری از طرف مخاطب در آینده است. گوینده با به‌کارگیری این نوع کنش، از دیگری به‌عنوان شنونده درخواست انجام کاری را دارد؛ بنابراین، خواسته‌های گوینده در این کنش بیان می‌شود. این‌گونه کنش‌ها دستورات، درخواست‌ها و پیشنهادها در گفتمان را شامل می‌شوند (سرل، ۲۰۰۶م، ص ۲۱۸). در این کنش، محور سخن بر مخاطب یا شنونده است و او سعی دارد جهان خارج را مطابق با سخن قرار دهد. نمونه‌های بارز این نوع کنش در ادعیه پیامبران:

جدول ۴: آیات دعایی قرآن کریم در رابطه با کنش ترغیبی

سوره و آیه	آیه و پاره‌گفتارهای دعایی	بار مضمون در سخن
		کنش غیر مستقیم
مؤمنون/ ۲۹	وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ	درخواست فرود سالم در اقامتگاهی پر نعمت
آل عمران/ ۳۸	قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ	درخواست فرزند پاک و صالح
انبیاء/ ۸۹	وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ	درخواست عدم تنها گذاشتن
مریم/ ۸	قَالَ رَبِّ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْغُلَامِ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا	اظهار تعجب از بچه‌دار شدن زن عقیم
نمل/ ۶۲	أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا	مطالبه از اجابت انسان

دلالتی بیانگر احتیاج حضرت موسی(ع) به پروردگارش است. کنش لفظی و گزاره‌ای این دعا نشان می‌دهد حضرت موسی برای خداوند شرح حال می‌کند و از ضعف و فقر خود می‌گوید؛ بنابراین، قصد ظاهری حضرت در کنش منظوری می‌تواند وصف و تقریر باشد. حضرت اعتقاد خود را در جهان خارج در کلمات متجلی می‌سازد. کنش اظهاری «اثبات یک اعتقاد در جهان خارج به ساده‌ترین شکل ممکن که صدق و کذب در آن راه داشته باشد» (سرل، ۲۰۰۶م، ص ۲۱۸). بدیهی است که نمی‌تواند قصد حضرت موسی صرفاً شرح حال باشد. آلتوسی این دعا را حمل بر درخواست می‌داند؛ بنابراین، بهتر است گفته شود مراد از موصول «ما» در جمله (لَمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ) نیروی بدنی است که بتوان با آن اعمال صالح را انجام داد؛ مانند دفاع و فرار از فرعون به قصد مدین و آب‌دادن به گوسفندان شعیب و ... (۱۹۹۴م، ج ۱۰، ص ۲۷۳-۲۷۴). با این اوصاف، این دعا را می‌توان کنایه دانست و کنش آنرا کنش غیر مستقیم به شمار آورد. اظهار فقر و نیازمندی حضرت موسی(ع) به قدرتی که خداوند به او اعطا کرده، بیانگر دو بعد مهم است؛ نخست اینکه اراده حضرت چیزی جز اراده خداوند نیست، دوم: نیازمندی حضرت در این آیه در قبال خداوند است. به دیگر سخن، با ذکر «إِلَيَّ» چنین برداشت می‌شود که حضرت موسی(ع) از فقر خود در مقابل قدرت خداوند سخن می‌گوید که اگر دستگیری او نباشد، حضرت و هیچ انسان دیگری قدرت قیام ندارد.

در تعریف دعا آمده است: دعا درواقع گفت و گوی یک موجود سراسر نیاز با خالق بی‌نیاز خویش است که سبب اتصال فقیر با غنی مطلق می‌شود (کاوینانی، ۱۳۹۹ش، ص ۱۴). با توجه به این ویژگی دعا، کنش تأثیری این آیه در رابطه بین فقیر سراسر محتاج و خالق سراسر غنی پنهان است که درحقیقت در آیه به‌صورت ضمنی تقابل بین فقیر با واژه (فقیر) و غنی با عبارت (لَمَا أَنْزَلْتَ مِنْ خَيْرٍ) برقرار است که همواره ملازم

جهانیان برمی‌گردد و کنش دلالی و اسنادی در موضوع حکم خدا به حق نهفته است.

کنش منظوری این آیه در نگاه اول در ساختار جمله به صورت کنش مستقیم متجلی می‌شود؛ به نحوی که پیامبر اسلام از پروردگارش مطالبه اجرای عدالت را درباره پذیرفتگان دعوت و نپذیرفتگان آن دارد. آلوسی می‌گوید:

«الحکم بالحق» به معنی «الحکم بالعدل» است؛ یعنی مقید کردن حکم به حق. در صورتی که تمام افعال خداوند از روی حق و عدالت است، بیانگر مجازی بودن معنای حق است (۱۹۹۴م، ج ۱۷، ص ۱۰۴). با این اوصاف، می‌تواند فعل امر «احکم» نیز به معنای امری «عجل» باشد.

بغوی می‌گوید: منظور رسول خدا از (احکم بالحق) این است که بین من و تکذیب‌کنندگان در عذاب و پاداش تعجیل کن (۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۳۶۰)؛ بنابراین، چگونه باید این کنش را کنش منظوری مستقیم به شمار آورد! در کنش منظوری غیرمستقیم توان حرفی و متنی یک پاره‌گفتار با توان نهفته در آن مطابقت ندارد. به دیگر سخن، کنش لفظی معنایی را می‌رساند و کنش منظوری معنای دیگری را (صانعی پور، ۱۳۹۰ش، ص ۱۵۳). از طرفی کنش لفظی (عَلَى مَا تَصِفُونَ) در این آیه می‌تواند کمک شایانی در معنای برداشت شده از (احکم بالحق) کند. از آنجایی که گروه تکذیب‌کنندگان با هر لفظی خدا را وصف می‌کردند؛ بنابراین، رسول خدا (ص) تعجیل در امر جزا و پاداش را به این دلیل مطالبه دارد تا سره از ناسره مشخص شود.

با بررسی اسلوب این آیه، میزان تأثیرپذیری و در نتیجه، کنش تأثیر آن مشخص می‌شود. نخستین نکته در این زمینه، تغییر ناگهانی اسلوب کلام با توجه به آیات قبل است. در آیات قبل، گوینده خداوند و مخاطب رسول خدا (ص) است؛ اما در این آیه گوینده رسول خدا (ص) و مخاطب خداوند هستند. تغییر اسلوب به این شکل در بلاغت التفات نام دارد. عبدالمطلب می‌گوید: التفات در تغییر اسلوبی که ایجاد می‌کند، علاوه بر خلق لذت در کلام باعث افزایش الهام‌بخشی و در نتیجه، تأثیرپذیری آن

گفتار		دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ	
غایت عالی در کار و عمل و انجام رسالت الهی	.....	وَقُلْ رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاَجْعَلْ لِيْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا	اسراء/ ۸۰
.....	مطالبه امنیت	رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا بَلَدًا اٰمِنًا وَاَرْضًا اٰهْلَةً مِنَ التَّمْرٰتِ	ابراهيم/ ۳۵
درخواست آمرزش و ترحم	.....	قَالَ رَبِّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِيْ بِهٖ عِلْمٌ وَاِلَّا تَغْفِرْ لِيْ وَتَرْحَمْنِيْ اَكُنْ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ	هود/ ۴۷
.....	.....	.....	.....
	۳۲		العدد

بر مبنای تحلیل کنش‌های گفتار، بیشتر پاره‌گفتارهایی که به صورت سؤالی، امری، ندایی و ... مطرح می‌شوند، در زمره کنش ترغیبی قرار می‌گیرند. از شروط تحقق این کنش به صورت مستقیم «مخاطب مسؤول تحقق این کنش و تطابق آن با جهان خارج است و کنش خواسته شده توسط او در آینده انجام می‌شود» (خالد میلاد، ۲۰۰۱م، ص ۵۰۶)؛ بنابراین، با هماهنگی بین محتوای گزاره‌ای (ساختار نحوی) و این شروط کنش ترغیبی مستقیم پدید می‌آید و با عدم هماهنگی بین آن‌ها کنش ترغیبی غیرمستقیم به دست می‌آید؛ مانند:

(قَالَ رَبِّ اِحْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمٰنُ الْمُسْتَعٰنُ عَلٰی مَا تَصِفُوْنَ) (الانبياء: ۱۱۲). این آیه، آخرین آیه سوره انبیاء است که به صورت کلی، خلاصه و چکیده‌ای از سرگذشت پیامبرانی نظیر اسحاق، یعقوب، لوط و ... را بیان کرده است و در آخر به دعوت پیامبر اسلام (ص) به یکتاپرستی مردم اشاره دارد.

عبارت (احکم بالحق ...) در این دعا مطمح نظر است که کنش لفظی آیه را تشکیل داده و به صورت صیغه امری به کار رفته است. کنش ارجاعی در کنش قضیه‌ای با توجه به بافت متنی و غیر متنی به رسول خدا و پروردگار

می‌شود (۲۰۰۷م، ص ۲۸۶). نکته دوم حضور جمله اسمیه (رَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ) بیانگر این است که رسول خدا با پیروانش همیشه و به‌طور مداوم از خداوند مدد می‌جویند. نکته دیگر آمدن دو صفت ثبوتی (الرحمن/المستعان) در کنار هم بیانگر کمال توحید خداوند است.

در آیه دیگر، کنش ترغیبی از زبان حضرت یوسف(ع) چنین آمده است:

(قَالَ رَبِّ السَّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِنِّي لَأَنصُرُ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنُ مِنَ الْجَاهِلِينَ) (یوسف: ۳۳).  
از ظاهر این آیه برمی‌آید که حضرت دعا (نفرین) بر خود می‌کند تا به زندان افکنده شود؛ در صورتی که بافت زبانی آیه چیزی دیگری می‌گوید. علامه طباطبایی می‌گوید: این آیه بیان حالی بوده که از خود برای پروردگارش کرده است که روی دل از زنان بگرداند و معنای (أَحَبُّ إِلَيَّ) این است که اگر اختیار به دست خودم باشد، من زندان را بر آنچه ایشان مرا بدان می‌خوانند، اختیار می‌کنم (۱۱، ج ۱، ص ۲۰۷).

پاره گفتار دعایی این آیه کنش لفظی را تشکیل می‌دهد و محتوای قضیه‌ای آن به صورت خبری و جملات اسمیه (السَّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ/أَصْبُ إِلَيْهِنَّ) و جملات فعلیه (يَدْعُونَنِي/تَصْرِفُ عَنِّي/أَكُنُ مِنَ الْجَاهِلِينَ) تشکیل شده است. در این جملات، کنش ارجاعی از حضرت یوسف به‌عنوان گوینده و خداوند به‌عنوان مخاطب تشکیل شده است. این کنش با ضمائر موجود در متن قابل تشخیص است. ضمیر «یاء» در (إِلَيَّ) ضمیر «أنا» محذوف در (أَصْبُ/أَكُن) بیانگر گویندگی حضرت یوسف(ع) و ضمیر «أنت» در (تصرف) بیانگر مخاطب بودن خداوند است.

در نگاه نخست، کنش منظوری مستقیم به‌صورت کنش اظهاری بیان شده است. به عبارت بهتر، همه کنش‌های لفظی موجود در این آیه به شکل خبری و در جهت توصیف حال حضرت یوسف به کار رفته است؛ اما بافت و فضای بیرونی این آیه چیز دیگری می‌گوید: بعد

از درخواست شیطانی، همسر عزیز مصر تصمیم گرفت زنانی را گرد هم آورد. سپس یوسف بر آنها وارد شود ... زلیخا وقتی دید با یک بار دیدن یوسف هوش از سر آنان پرید، گفت: چگونه مرا ملامت می‌کنید که صبح و شام با او می‌نشینم و برمی‌خیزم؟ ... سپس به گناه خود اعتراف کرد و از یوسف خواست اگر به خواسته او تن ندهد، او را در زندان افکند و خوار ذلیلش کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷ش، ج ۹، صص ۴۲۷-۴۲۹). باید گفت: کنش لفظی (وَإِنِّي لَأَنصُرُ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ) یک اسلوب خبری شرطی است که حضرت قصد (خبردادن) را دارد و می‌خواهد با چنین کنشی مخاطب را از موضوعی مطلع سازد که همانا «روی برگردانی از من منجر به لغزشم» می‌شود. در این صورت، کنش اظهار محقق می‌شود. در کنش اظهاری مسئولیت اجرای فعل با گوینده است. از سوی دیگر، کلمات با جهان خارج مطابقت می‌کند (نحله، ۲۰۰۲م، ص ۸۹)؛ اما در واقع توان منظوری این آیه و شرایط حاکم بر این کنش نمی‌تواند دلالت بر اظهار کند؛ زیرا «مسئولیت روی گرداندن و عدم لغزش» با گوینده (یوسف) نیست؛ بلکه این عمل را از خداوند مطالبه دارد که با رعایت ادب گفتاری به جای کنش لفظی «لَا تَصْرِفُ عَنِّي أَصْبُ إِلَيْهِنَّ» کنش مذکور در آیه کاربری شده است که مفاهیم و معانی کاربردشناختی و کارگفتی پیچیده‌تری به وجود می‌آورد.

درباره کنش تأثیر و میزان تأثیرگذاری این آیه چند نکته مطمح نظر است: نخست: فعل «أَصْبُ إِلَيْهِنَّ» که از مصدر صبوه به معنای تمایل شدید به عمل لهو و لغو و دورشدن از طریق مستقیم است (المصطفوی، ۱۴۲۳م، ماده صبا)؛ بنابراین، کاربری فعل «أَصْبُ» در اینجا تناسب حاکم بین لفظ و معنا را نشان می‌دهد. با نظر به بافت پیرامونی و میل طبیعی هر انسانی، کاربری چنین واژه‌ای را می‌طلبد. دوم: کاربری واژه «أحب» به جای واژه‌های دیگر مثل «أفضل» یا «أحسن» بدین دلیل است که حضرت قصد دارد زن عزیز مصر را ناامید کند و رشته طمع را از

	خویش		
توبه در پیشگاه الهی به خاطر لغزش ناخواسته	.....	لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ	انبیاء / ۸۷
	.....	.....	.....
	۱۷		العدد

از نمونه‌های فوق نمایان است گوینده در کنش عاطفی از احساسات و عواطف خود با رعایت اصل صدق سخن می‌راند. در چنین کنش‌هایی رابطه دو سویه تأثیر و تأثر بین گوینده و عناصر تشکیل دهنده احساس درونی او پابرجاست؛ به طوری که شدت و ضعف میزان تأثیر گذاری این احساسات و حتی رعایت اصل خلوص نیت در ادای این کنش، بستگی به عناصر تشکیل دهنده آن دارد.

از نمونه‌های این کنش در ادعیه، دعای حضرت سلیمان(ع) است: (قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ) (النمل: ۱۹). حضرت سلیمان در این دعا از خداوند می‌خواهد تا شیوه شکر نعمت را به او الهام کند و نیز در انجام عمل صالح به صورت ذاتی و نفسانی او را یاری دهد.

عبارات و جملات آیه، کنش لفظی تشکیل می‌دهند که گوینده آن حضرت سلیمان(ع) و مخاطب آن خداوند است و کنش دلالی و اسنادی آن در کنش لفظی (أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ) خلاصه می‌شود؛ به گونه‌ای که حضرت خواهان الهام بخشی شکر نعمت‌های الهی و فراهم کردن راه انجام کارهای شایسته است. از آنجایی که بافت آیه به شکر، سپاس و اعتراف به فضل و جلال خداوند اشاره دارد. این فضا به کنش منظوری نیز نفوذ کرده و آنرا به طور مستقیم تحت الشعاع قرار داده است. حضرت سلیمان(ع) قصد دارد در جهت سپاس از نعمت‌های الهی و فضایی که به او و اهلس بخشیده است، شکرگزار باشد که این امر با تحقق کنش منظوری به صورت مستقیم

او قطع کند؛ کسی که سخت شیفته و شیدای یوسف، علیه‌السلام، شده بود (ابوالسعود، بی‌تا، ج ۲، صص ۲۷۴). علاوه بر این، عدم ذکر «عمل شیطانی» به عنوان مفضل منه و ذکر «زدان» به عنوان مفضل نشان از انتخاب قاطعانه حضرت یوسف دارد. با این اسلوب بیانی قرآن و استفاده بی‌نظیر از کلمات در موضع مناسب خود میزان تأثیرگذاری این کنش به مراتب افزایش می‌یابد.

### ۳-۲. عاطفی

همان‌طور که از عنوان کنش عاطفی برمی‌آید، این کنش احساسات و عواطف گوینده سخن را شامل می‌شود و محتوای گزاره‌ای، شرایط را بیان می‌کند که متضمن حالت روانی گوینده است. در این نوع کنش، گوینده نه تلاش می‌کند تا جهان بیرون را با کلماتش مطابقت دهد نه کلمات بیان‌شده را با جهان بیرون، بلکه صدق و حقیقت گزاره بیان‌شده بدیهی و مسلم فرض می‌شود (سرل، ۲۰۰۶، ص ۲۱۹). آیات زیر کنش عاطفی در ادعیه پیامبران را نشان می‌دهد:

#### جدول ۵: آیات دعایی قرآن کریم در رابطه با کنش عاطفی

سوره و آیه	آیه و پاره‌گفتارهای دعایی	بار مضمون سخن
		کنش مستقیم کنش غیرمستقیم
اعراف / ۲۳	قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا ...	بیان ظلم و ستم
طه / ۴۵	قَالَا رَبَّنَا إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرَطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْعَى	الخوف من العقاب
مریم / ۴	قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَأَشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا	إظهار ضعف و سستی در فرزندآوری
ابراهیم / ۳۷	رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ	ابراز محبت پدارانه به نسل

تأثیرگذارتر است؛ زیرا کنشی که وی به دنبال آن و فضایی که برای تحقق این کنش ایجاد کرده، به کنش منظوری رنگ و بوی اخلاقی بخشیده است؛ در نتیجه، ارزش اخلاقی این کنش بر ارزش انفعالی آن فزونی یافته است. در کنش عاطفی بعد نفسانی و روحانی عمل ارجح و افضل است و گوینده به بعد ارزشی آن نسبت به بعد لفظی و کلامی آن توجه بیشتری دارد (صوله، ۲۰۰۷م، ص ۱۵۳). حضرت سلیمان از طریق این جملات اخباری درصدد بیان قصد عاطفی و احساسی خود است که این گونه کنش‌ها در ذیل کنش‌های عاطفی در تقسیم‌بندی پنج‌گانه سرل قرار می‌گیرد و هدف از آن بیان حالت‌های باطنی با حفظ شرط اخلاص است. محتوای گزاره‌ای در آن هیچ تناسبی با جهان خارج یا بالعکس، جهان خارج هیچ تناسبی با کنش صورت‌گرفته ندارد؛ زیرا در کنش عاطفی تحقق آن به صورت پیش‌فرض صورت می‌گیرد (طباطبایی، ۱۹۹۴م، ص ۳۲).

حضرت سلیمان در مقابل نعمت‌های خداوند ناسپاس نبوده است؛ بلکه شاکر و سپاسگزار است؛ به همین سبب، از پرودگارش روزی سپاسگزار بودن و توفیق انجام کارهای شایسته و ... را مطالبه می‌کند و نیز از او می‌خواهد در هر کار خیری که پرودگارش را راضی می‌کند، به او توفیق دهد؛ این امر نشان می‌دهد تحقق خیر و صلاح و قرارگرفتن در زمره بهشتیان فقط با رحمت الهی عملی می‌شود؛ به همین دلیل، در بخشی از این آیه می‌فرماید: «وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ». این استدلال در کنار کاربست عناصر زبانی تأثیرگذاری را قوی‌تر می‌کند. زمخشری می‌گوید: واژه «نعمه» در این آیه نعمت توحید و اسلام است؛ به دلیل اینکه از نعمتی سخن می‌گوید که بین خود و والدین (أجداد) او مشترک است و هیچ نعمتی به جز توحید و اسلام بین آن‌ها مشترک نبوده است (۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۰۲). همچنین، متعلق نعمت اطلاق شده به حضرت سلیمان و اجدادش، فعل «أنعمت» است که ماضی بودن آن افاده تحقق دارد؛ به همین سبب،

اشتراک نعمت بین آنها و نیز انعام شدن نعمت در گذشته بیانگر نعمت یگانه‌پرستی است. نکته دیگر موجود در این آیه به کار رفتن فعل امر «أوزعنی» است. مصطفوی می‌گوید: از مصدر ایزاع است که این مصدر امور باطنی و نفسانی اشاره دارد. به دیگر سخن، مصدر اسم معنی است نه اسم عین و ذات (۱۴۲۳ق، ماده و زع)؛ از این رو، حضرت سلیمان، سعادت در امور معنوی و باطنی را از خدا می‌خواهد با این اوصاف همنشینی واژه «أوزعنی و نعمت» در تناسب کامل است. این موارد در این آیه تأثیرگذاری آنرا فزونی می‌بخشد.

و در دعای دیگر می‌فرماید: ( قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ) (القصص: ۱۶). در این آیه حضرت موسی (ع) به خداوند پناه آورده است؛ بدین گونه که به کاری اعتراف می‌کند که به گمان او انجام آن برخلاف مصلحت زندگانی‌اش است. حضرت ابراز پشیمانی و ندامت می‌کند. پشیمانی و ندامت حالت نفسانی است که با تغییر نظر نسبت به موضوع تلف شده به وجود می‌آید که به افسوس و تحسر همراه است و به انسان احساس اندوه و سرخوردگی دست می‌دهد؛ زیرا اثر منفی بر فرد می‌گذارد (زین، ۲۰۰۹م، ص ۲۴۱). پشیمانی و ندامت که در این دعا نمایان است، از زمره کنش‌گفتار عاطفی به شمار می‌رود که در این آیه در کنش لفظی (إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي) مطمح نظر است. محتوای قضیه‌ای این کنش متشکل از کنش ارجاعی است که گوینده آن، حضرت موسی با توجه به ضمیر «یاء» در (إِنِّي لِي/لِرَبِّي/نَفْسِي) و ضمیر «ت» در فعل (ظلمت) و مخاطب آن با توجه به لفظ (رَبِّ) و ضمیر «أنت» در فعل (فاغفر) ضمیر «هاء» در (له/إنه) و ضمیر «هو» پروردگار جهانیان است و کنش دلالتی آن ظلمی است که حضرت موسی به خود روا داشته است.

کنش منظوری این جمله خبری به صورت ضمنی و غیر مستقیم تحقق یافته است که از بافت و فضای کلی آیات فهم پذیر است. درحقیقت ندامت و پشیمانی از به

جدول ۶: بسامد کنش‌های گفتار در ادعیه پیامبران در قرآن کریم و ترسیم آن‌ها به شکل دیگر

نوع کنش گفتار	تعداد	درصد
اظهاری	۲۲	۳۱٪
ترغیبی	۳۴	۴۶٪
عاطفی	۱۷	۲۳٪
جمع	۷۳	۱۰۰٪



نمودار ۱: بسامد کنش‌های گفتار در ادعیه پیامبران در قرآن کریم

از جدول و نمودار بالا چنین برمی آید که ادعیه پیامبران در قرآن کریم شامل انواع کنش‌های گفتاری است. از بین پنج کنش یادشده در نمونه سرل در نظریه کنش‌های گفتار فقط سه مورد آن یعنی کنش اظهار، کنش ترغیبی و کنش عاطفی بررسی شد که هر کدام جلوه و وظیفه خاصی به زبان به کار گرفته شده در آیات می دهند. این کنش‌ها گاهی به صورت کنش مستقیم منظور صریح و ضمنی پیامبران را متجلی می کنند و گاهی نیز به صورت غیرمستقیم منظور پیامبران در ضمن کنش‌ها قرار می گیرند. آمار زیر بسامد کنش‌های مستقیم و غیرمستقیم را در آیات مورد بحث نشان می دهد:

جدول ۷: بسامد کنش‌های گفتار مستقیم و غیرمستقیم در ادعیه قرآنی

نوع کنش	تعداد	درصد
کنش مستقیم	۴۱	۵۶٪
کنش غیرمستقیم	۳۲	۴۴٪
تعداد	۷۳	۱۰۰٪

که به شکل زیر به تصویر کشیده شده‌اند:

قتل رساندن آن جوان باعث شد حضرت موسی خود را ملامت کند. ضمنی بودن این کنش بدین سبب است که کنش لفظی (ظَلَمْتُ نَفْسِي) از زبان یک پیامبر خدا جاری شده است؛ بنابراین، آیا می شود پیامبر خدا به خود ظلم کند! در تفسیر این گونه آمده است: حضرت موسی به قصد نجات یک مؤمن وارد صحنه و ناخواسته مرتکب قتل شد. این عمل، کار او را در اجتماع دشوار کرد و به نحوی یک آسیب اجتماعی برای او تلقی شد (قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ص ۲۶۷)؛ بنابراین، این جمله خبری که به ظاهر شرح فنی مآل است، کارکرد و کنشی غیر از «خبردادن» محقق می سازد؛ زیرا از شرایط زمانی و مکانی این آیه چنین برمی آید که حضرت در تنگناست؛ بنابراین، انتظار نمی رود تا توصیف وقایع کند؛ بلکه می خواهد از آسیبی که بر او وارد آمده است، اعتراف و به نحوی «دلجویی» کند و از آنجایی که دلجویی نوعی انتقال تجربه ذهنی است، در زمره کنش عاطفی می گنجد (البرزی، ۱۳۸۶ش، ص ۹۵). تأثیرگذاری این آیه می تواند با کاربست «ان» به عنوان ادات تأکید و فعل ماضی که افاده قطعیت و تأکید دارد، تشریح شود. همچنین، استفاده از ضمیر متکلم (یا/ت) در مرتبه نشان از درگیری ذهنی گوینده دارد.

بنابراین، کنش گفتار عاطفی و احساسی که درحقیقت واکنشی است که گوینده سخن نسبت به جهان خارج دارد و درحقیقت آثار آن جهان بر شخصیت او تأثیر می گذارد و در کلامش متجلی می شود و گزاره‌های قضوی عموماً زبان را با دنیای عاطفه و احساس خود متناسب می سازد. در آخر لازم می آید تا از دعاهای بررسی شده ادعیه پیامبران در قرآن کریم آماری ارائه شود؛ بدین صورت که بسامد کنش‌های صورت گرفته در ۷۳ آیه مورد مطالعه و تحلیل آن‌ها براساس کنش‌های گفتار به شرح ذیل است:

متون دینی می‌شود؛ زیرا بافتاری و قصدمحور است؛ در نتیجه، زبان استفاده شده در گفتمان این چنین متونی، به پیکره‌ای سرشار از پدیده‌های زبانی گوناگون مبدل شده است که باید براساس بافتاری که ماهیت زبان را آشکار می‌کند، تحلیل شوند. ادعیه پیامبران در قرآن کریم با توجه به گوینده و مخاطب مشخص افق‌هایی را برای مخاطبان برای دست‌یافتن یا نزدیک‌شدن به مقصود پیامبران می‌گشاید و میان گفتمان دعایی و پروسه تأویل از جانب گیرندگان نوعی رابطه دیالکتیک ایجاد می‌کند که این امر باعث کاربردی و پراگماتیکی زبان به کاررفته در آیات دعایی می‌شود.

درباره کنش‌های به‌کاررفته در گستره ادعیه پیامبران در قرآن کریم باید گفت:

- از مجموع ۷۳ دعای انتخاب شده در باب ادعیه پیامبران، ۳۴ مورد آن معادل (۴۶٪) در زمره کنش گفتار ترغیبی آمده‌اند که در مقایسه با دیگر کنش‌های گفتار بررسی شده در مرتبه اول قرار می‌گیرند. در این کنش درخواست و مطالبه از خداوند مطرح است و درخواست‌کننده (الداعی) به وسیله آن سریع‌تر به جهان آرمانی و قصد مطلوب می‌رسد. از آنجایی که دعا نوعی درخواست و مطالبه است، طبیعی است کنش ترغیبی با فعل امر و فعل نهی قرین باشد؛ هرچند استفهام نیز از دیگر اسالیبی است که در این کنش استفاده شده است. معنای التماس، ترجی، تمنی معنای حاکم در این کنش است. این نواع کنش غالباً با لفظ ربّ (ربّی / ربّنا) همراه است.

- دومین کنش به کار گرفته شده که بسامد بالایی در آیات قرآنی دارد، کنش اظهاری است. این کنش با بسامد (۲۲) مورد و معادل (۳۱٪) آمده است. قصد و هدف پیامبران روشنگری از اوضاع و احوال خویش است. بیان، شرح و تفسیر جزئی از کنش اظهاری در ادعیه پیامبران محسوب می‌شود؛ بنابراین، کنش گفتاری در مقایسه با کنش ترغیبی صریح و با راهبرد مستقیم به کار رفته است.



نمودار ۲ بسامد کنش‌های گفتار مستقیم و غیر مستقیم در ادعیه قرآنی

نمودار و جدول بالا بیانگر این است که قصد و منظور پیامبران در دعاهایشان، هم به صورت مستقیم در ساختار و شکل لفظی آیات متجلی و هم به صورت غیرمستقیم در ضمن آیات پدیدار می‌شوند. به دیگر سخن، در کنش گفتار مستقیم، کنش منظوری (بار مضمون در سخن) با محتوای گزاره‌ای رابطه مستقیم دارد؛ بدین معنا که آنچه در لفظ نشان داده می‌شود، همان مقصود اصلی آیه است؛ اما در کنش غیرمستقیم، کنش منظوری با محتوای گزاره‌ای رابطه غیرمستقیم دارد. درحقیقت در کنش گفتار غیرمستقیم قصد گوینده را فراتر از قوانین نحوی و معنایی می‌کشاند و به حیطه کاربردشناختی می‌برد؛ از این رو، عنصر انگیزه مخاطب کمک‌شایانی در منظور اصلی گوینده می‌کند. نکته دیگر درباره کنش گفتارهای غیرمستقیم، انگیزه استفاده از آن‌ها در بافت مشخص است؛ برای مثال، در کنش گفتارهای ترغیبی که پرسش و تقاضا کردن نیز جزء آن‌ها هستند، «ادب» انگیزه یا محرک اصلی برای استفاده از کنش‌های غیرمستقیم است (البرزی، ۱۳۸۵، ص ۸۴) که فهم آن منوط به دانایی و آگاهی از متکلم و موقعیت کاربری مخاطبه و شرایط بافتی و سیاقی است.

### ۳- نتیجه‌گیری

مقوله کنش‌های گفتار به‌عنوان یک نظریه ارتباطی و کاربردی در تحلیل زبان باعث به‌هم‌پیوستگی متون به‌ویژه

علی اکبر نورسیده و د. علی ضیغمی. أطروحة فی مرحلہ الدكتوراه. قسم اللغة العربية وآدابها. كلية الأدب الفارسی واللغات الأجنبية. جامعة سمنان.

برقی، زهره. (۱۳۹۸ش). رازهای نیایش در قرآن. چاپ اول. تهران: نور علم.

بغوی، الحسین بن مسعود. (۱۴۲۰هـ). تفسیر البغوی (معالم التنزیل فی تفسیر القرآن). تحقیق: محمد عبدالله النمر. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

التفتازانی، مسعود بن عمر. (۱۳۸۷ش). مختصر المعانی. دون الطبع. قم: دار الفکر.

خالد، میلاد. (۲۰۰۱م). الإنشاء فی العربیة بین التركيب والدلالة. الطبعة الأولى. تونس. نشر مشترك: جامعة منوبة كلية الآداب والمؤسسة العربیة للتوزیع.

زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷هـ). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. چاپ سوم. لبنان: دار الكتاب العربی.

زین، أحمد یاسین. (۲۰۰۹م). ألفاظ أحوال النفس وصفاتها فی القرآن الکریم. بإشراف أ.د. یحیی عبد الرؤوف جبر. وأ.د. محمد جواد النوری. رسالة ماجستير. كلية اللغات. جامعة النجاح الوطنية.

سرل، جون. (۲۰۰۶م). العقل واللغة والمجتمع (فلسفة فی العالم الواقعی). الطبعة الأولى. ترجمه: سعید الغانمی. بیروت: الدار العربیة للعلوم.

الشهری، عبدالهادی بن الظافر. (۲۰۰۴م). استراتيجيات الخطاب مقارنة لغویة تداولیة. الطبعة الأولى. بیروت: دارالكتاب الجديد المتحدة.

الصابونی، محمد علی. (۲۰۱۲م). صفوة التفاسیر. الطبعة الثالثة. دمشق: مؤسسة مناهل العرفان.

صانعی پور، محمدحسن. (۱۳۹۰ش). مبانی تحلیل کارگفتی در قرآن کریم. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

الصحراوی، مسعود. (۲۰۰۵م). التداولیة عند علماء العرب. دون الطبع. بیروت: دارالطبعة للنشر والتوزیع.

درضمن این کنش در ادعیه‌ای دیده می‌شود که پیامبران قصد وصف اوصاف الهی را دارند. معنای حاکم بر این کنش اقرار و تبیین است.

- سومین کنش، کنش گفتار عاطفی بوده که غالباً به صورت مستقیم کاربری شده است؛ زیرا در این کنش شرط بیان احساسات است و آشکارا و صریح سخن گفتن ترجیح دارد. این کنش (۱۷) مرتبه معادل (۲۳٪) در بین کل ادعیه بررسی شده حضور دارد. دلیل بسامد پایین این کنش نسبت به کنش‌های دیگر به اهداف گویندگان برمی‌گردد. از آنجایی که ادعیه پیامبران، بیشتر مصلحت قوم عامه را نشانه می‌رفته است، این کنش که به‌نوعی کنشی شخصی به شمار می‌رود، کمتر کاربری شده است. معانی حاکم بر این کنش توبه، ندامت و پشیمانی است.

- با بررسی آیات دعایی پیامبران مشخص شد مصلحت عمومی بر مصلحت شخصی برتری دارد؛ به طوری که از بین سه کنش پر کاربرد، ترغیبی و اظهاری، مصلحت‌خواهی عمومی و عاطفی مصلحت‌خواهی شخصی را شامل می‌شود.

#### کتابنامه

##### قرآن کریم

آستین، جون. (۱۹۹۱م). نظریه أفعال الكلام. چاپ اول. ترجمه: عبدالقادر قینینی. قاهره: دار الكتاب.

آوسی، سید محمود. (۱۹۹۴م). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی. الطبعة الثانية. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

ابوسعود، محمد بن محمد. (بی‌تا). تفسیر أبی سعود (إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب السليم). چاپ دوم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

البرزی، پرویز. (۱۳۸۶ش). مبانی زبان‌شناسی متن. چاپ اول. تهران: امیرکبیر.

باقری، علی. (۱۴۰۲ش). القصديّة فی رسائل نهج البلاغة فی ضوء اللسانيات التداولیة. بإشراف د.



- Barzi, Parviz. (2007). *Fundamentals of Text Linguistics*. First edition. Tehran: Amir Kabir.
- Bagheri, Ali. (2023). *Intentionality in the Letters of Nahj al-Balagha in Light of Pragmatics*. Supervised by Dr. Ali Akbar Noorsida and Dr. Ali Zighami. PhD dissertation. Department of Arabic Language and Literature. Faculty of Persian Literature and Foreign Languages. Semnan University.
- Barqi, Zahra. (2019). *Secrets of Supplication in the Quran*. First edition. Tehran: Noor Elm.
- Al-Baghawi, Al-Husain bin Masoud. (1999). *Tafsir Al-Baghawi (Landmarks of Revelation in the Interpretation of the Quran)*. Edited by Muhammad Abdullah Al-Nimr. Beirut: Dar Ihya' Al-Turath Al-Arabi.
- Al-Taftazani, Masoud bin Umar. (2008). *Mukhtasar Al-Maani*. Qom: Dar Al-Fikr.
- Khaled, Milad. (2001). *Creation in Arabic between Structure and Meaning*. First edition. Tunisia. Joint publication: Manouba University, Faculty of Arts, and the Arab Distribution Foundation.
- Zamakhshari, Mahmoud bin Umar. (1987). *Al-Kashaf on the Realities of the Ambiguities of Revelation*. Third edition. Lebanon: Dar Al-Kitab Al-Arabi.
- Zain, Ahmad Yasin. (2009). *Terms of the States of the Soul and its Attributes in the Holy Quran*. Supervised by Prof. Yahya Abdul-Raouf Jaber and Prof. Muhammad Jawad Al-Nuri. Master's thesis. Faculty of Languages. An-Najah National University.
- Searle, John. (2006). *Mind, Language, and Society (Philosophy in the Real World)*. First edition. Translated by Saeed Al-Ghanami. Beirut: Arab Scientific Publishers.
- Al-Shahri, Abdulhadi bin Al-Zafir. (2004). *Discourse Strategies: A Pragmatic Linguistic Approach*. First edition. Beirut: Dar Al-Kitab Al-Jadeed Al-Muttahid.
- Al-Sabouni, Muhammad Ali. (2012). *Safwat al-Tafasir*. Third edition. Damascus: Manahil Al-Irfan Foundation.
- Saneyi-Pour, Mohammad Hassan. (2011). *Fundamentals of Speech Act Analysis in the Holy Quran*. First edition. Tehran: صولة، عبدالله. (۲۰۰۷م). *الحجاج في القرآن الكريم من خلال أهم خصائصه الأسلوبية*. ط ۱. بيروت: دارالفاربي.
- عبدالمطلب، محمد. (۲۰۰۷م). *البلاغه العربية قراءة أخرى*. الطبعة الثانية. القاهرة: شركة أبو الهول للنشر.
- طباطبایي، محمد حسين. (۱۳۸۴ش). *الميزان في تفسير القرآن*. چاپ ششم. قم: جامعه مدرسین قم.
- عبود زوين، محمد محمود. (۱۴۳۲هـ). *الدعاء المعاني والصيغ والأنواع*. الطبعة الأولى. بيروت: مركز الرسالة.
- قطب، إبراهيم حسين الشاربي. (۱۴۲۵هـ). *في ظلال القرآن*. چاپ دوم. بيروت: دار الشروق.
- كاوياني، مژگان. (۱۳۹۹ش). *بررسی و تحلیل دعاهاى انبياء پيش از اسلام در قرآن*. با راهنمایی دکتر شهاب‌الدین ذوالفقاری. مقطع کارشناسی ارشد. رشته تفسیر قرآن. دانشگاه معارف قرآن و عترت اصفهان.
- المصطفوی، علامه حسن. (۱۴۲۳هـ). *التحقیق فی مفردات القرآن الکریم*. چاپ اول. تهران: مرکز نشر آثار العلامة المصطفوی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۷ش). *تفسیر نمونه*. چاپ ششم. قم: دار کتب اسلامیة.
- نحله، أحمد محمد محمود. (۲۰۰۲م). *آفاق جديدة في البحث اللغوي المعاصر*. د.ط. مصر: دار المعرفة الجامعية.
- یول، جورج. (۱۳۸۵ش). *کاربردشناسی زبان*. ترجمه محمد عموزاده و توانگر. چاپ سوم. تهران: سمت.

## Bibliography

### The Holy Quran

- Austin, John. (1991). *Speech Act Theory*. First edition. Translated by Abdelkader Qenini. Cairo: Dar Al-Kitab.
- Al-Alusi, Sayyid Mahmoud. (1994). *Ruh al-Ma'ani in the Interpretation of the Great Quran and the Seven Mathani*. Second edition. Beirut: Dar Ihya' Al-Turath Al-Arabi.
- Abu Saud, Muhammad bin Muhammad. (N.d). *Tafsir Abi Saud (Guiding the Sound Mind to the Merits of the Sound Book)*. Second edition. Beirut: Dar Ihya' Al-Turath Al-Arabi.

- Imam Sadiq University Press.
- Al-Sahrawi, Masoud. (2005). *Pragmatics According to Arab Scholars*. Beirut: Dar Al-Taliah Publishing and Distribution.
- Sula, Abdullah. (2007). *Argumentation in the Holy Quran Through Its Most Important Stylistic Characteristics*. First edition. Beirut: Dar Al-Farabi.
- Abdul-Muttalib, Muhammad. (2007). *Arab Rhetoric: Another Reading*. Second edition. Cairo: Abu Al-Houl Publishing Company.
- Tabatabai, Muhammad Hussein. (2005). *Al-Mizan in the Interpretation of the Quran*. Sixth edition. Qom: Teachers Association of Qom.
- Aboud Zwain, Muhammad Mahmoud. (2011). *Supplication: Meanings, Forms, and Types*. First edition. Beirut: Al-Risalah Center.
- Qutb, Ibrahim Hussein Al-Sharabi. (2004). *In the Shade of the Quran*. Second edition. Beirut: Dar Al-Shorouk.
- Kaviani, Mojgan. (2020). *Analysis and Interpretation of the Supplications of Prophets Before Islam in the Quran*. Supervised by Dr. Shahabuddin Zolfaghari. Master's degree. Department of Quranic Interpretation. Maaref Quran and Etrat University of Isfahan.
- Al-Mustafawi, Allama Hassan. (2002). *Investigation in the Terms of the Holy Quran*. First edition. Tehran: Al-Mustafawi Publishing Center.
- Makarem Shirazi, Naser. (2008). *Tafsir Nemooneh*. Sixth edition. Qom: Dar Al-Kutub Al-Islamiya.
- Nahleh, Ahmad Mahmoud. (2002). *New Horizons in Contemporary Linguistic Research*. Egypt: University Knowledge House.
- Yule, George. (2006). *Pragmatics*. Translated by Mohammad Amouzadeh and Towanghar. Third edition. Tehran: SAMT.

